

مقایسه نگرشهای نوجوانان بزهکار با نوجوانان سازگار در استان یزد

محمدتقی علومی یزدی

عضو هیات علمی گروه تربیتی دانشگاه یزد

چکیده

این مقاله از طرح پژوهشی نگارنده در دانشگاه یزد تحت عنوان «مقایسه نگرشهای نوجوانان بزهکار با نوجوانان سازگار در استان یزد، استخراج شده است. مهمترین فرضیه این طرح آن است که بزهکاری نوجوانان تابعی از نگرشهای ناسالم آنان نسبت به خود، دیگران و واقعیت‌های اجتماعی است.

ابزار کار این تحقیق پرسشنامه‌ای بوده است که با اقتباس از مقیاس لیکرت تهیه و آزمون گردیده. تعداد نمونه ۱۰۰ نفر از بزهکاران نوجوان و محکوم در طول سال ۱۳۷۹ از بین ۴۰۱ محکوم مذکر و مؤنث در کانون اصلاح و تربیت شهرستان یزد به طور تصادفی انتخاب شدند. جامعه نمونه نوجوانان سازگار، ۱۷۰ نفر از دانش‌آموزان دختر و پسر بودند که از بین ۳۸۰۰۰ نفر نوجوان سازگار (طبق تعریف) از ۱۰ مدرسه متوسطه شهرستان یزد به روش میدانی و هماهنگ با خصوصیات نوجوانان بزهکار از نظر سن و جنسیت انتخاب شدند.

نگارنده در این تحقیق به این نتیجه می‌رسد که هر قدر عوامل محیطی نامساعد و احساس ناکامی شدیدتر باشد احتمال بزهکاری افراد افزایش می‌یابد. به همین دلیل تعریفی جدید از نگرش (Attitude) ارائه می‌کند و آن عبارت است از نحوه پردازش احساسها و شناختها که تابعی از زمان و مکان است و بر رفتار تأثیر می‌گذارد. طبق این



تعریف نوجوانان بزهکار را در دو گروه ۱- بزهکاران بدآموز و ۲- بزهکاران دست‌آموز قرار می‌دهد.

پیشنهادها در زمینه اصلاح اصل سی‌ام قانون اساسی برای اجباری کردن تعلیمات ابتدایی و آموزش همگانی تا پایان راهنمایی - آموزش خانواده‌ها از طریق صدا و سیما برای پیشگیری از خشونت با کودکان و جمع‌آوری کودکان و نوجوانان خیابانی و محافظت از آنها در مراکز بازپروری، کانون کارورزی، با نظارت دادگستری بوده است.

واژه‌های کلیدی: نگرش، نوجوانان بزهکار، نوجوانان سازگار، استان یزد.

مقدمه

مسئله بزهکاری و انحرافات اخلاقی در یک جامعه تابعی از قوانین کیفری و ارزشهای اخلاقی آن جامعه است. به همین دلیل اعمالی را می‌توان نام برد که انجام آن در یک جامعه جرم محسوب می‌شود و در دیگر جوامع جرم نیست. در ایران اسلامی که انگیزه حیات را «اِنَّمَا الْحَيَاةُ عَقِيدَةٌ وَ جِهَادٌ» می‌داند و امنیت اجتماعی را به مصداق «نعمتان مجهولتان، الصحة والامان» می‌خواند، ضروری به نظر می‌رسد که مبانی رشد کودکان و بلوغ اجتماعی نوجوانان از دیدگاه اسلامی مورد بررسی و شیوه رفتار با آنان مورد تجدید نظر قرار گیرد تا بیش از این با افزایش بی‌رویه بزهکاری در نوجوانان و دیگر گروه‌های سنی روبه‌رو نباشیم. اگر بپذیریم که رفتار انسانها تابعی از نظریات، نگرشها و باورهای فردی آنان است به این نتیجه می‌رسیم که مطالعه نگرشهای افراد روشی مناسب در جهت شناخت انگیزه‌های رفتاری آنان است. در این مقاله کوشش شده است استدلال گردد که علت افزایش بی‌رویه بزهکاری و مفاسد اخلاقی در کودکان و نوجوانان به دلیل بی‌توجهی جامعه به شیوه شکل‌گیری نگرشهای آنان نسبت به خود، دیگران و مقررات اجتماعی است. برای اثبات این مدعا دو گروه از نوجوانان بزهکار و سازگار را طبق تعریف از جامعه طبیعی انتخاب و با تست لیکرت آزمون نموده، داده‌ها نشان می‌دهد که رفتار آنها تابعی از شرایط خانوادگی و یادگیریهای اجتماعی آنان بوده است.



تعریف مسأله

صرفنظر از اختلالات بارز ارثی، شخصیتی و هوشی در بزهکاری نوجوانان، در این مقاله با این مسأله تربیتی مواجه هستیم که اولاً، بزهکاری نوجوانان تا چه میزان تابعی از نگرشهای ناسالم آنان نسبت به خود، دیگران و واقعیت اجتماعی است؟ ثانیاً، این نگرشهای ناسالم چگونه به وجود می‌آید؟ و ثالثاً روش اصلاح آنها چگونه است؟

فرضیات

- ۱- نوجوانان بزهکار در مقایسه با نوجوانان سازگار نسبت به «خود» نگرشی ناسالم دارند.
- ۲- نوجوانان بزهکار در مقایسه با نوجوانان سازگار نسبت به «دیگران» نگرشی ناسالم دارند.
- ۳- نوجوانان بزهکار در مقایسه با نوجوانان سازگار نسبت به «واقعیت‌های اجتماعی» نگرشی ناسالم دارند.
- ۴- افرادی که جرائم مشابه دارند، دارای نگرشهای ناسالم مشابهی هستند.

تعریف نگرش

در این مقاله نگرش عبارت است از نحوهٔ پردازش احساسها (عواطف) و شناختها (پنداشته‌ها) که تابعی از زمان و مکان است و بر رفتار تأثیر می‌گذارد (نگارنده).

ابزار کار

پرسشنامه محقق ساخته که با اقتباس از مقیاس لیکرت (Likert) تهیه شده، با ۳۰ سؤال ۵ گزینه‌ای که ۱۰ سؤال برای سنجش نگرش نسبت به خود، ۱۰ سؤال برای سنجش نگرش نسبت به دیگران و ۱۰ سؤال برای سنجش نگرش نسبت به مقررات اجتماعی طرح شده و افراد نمونه هر دو گروه به سؤالات آن پاسخ داده‌اند. (این ۳۰ سؤال از ۵۰ سؤال اولیه انتخاب شدند که بعد از آزمون مقدماتی ضریب همبستگی بالایی نسبت به کل آزمون داشتند). علاوه بر این در موارد خاص مصاحبه نیز انجام شده است.



نوع و روش تحقیق

مطالعه گذشته‌نگر که اطلاعات به صورت توصیفی / تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

الف: نوجوانان بزهکار

در طول سال ۱۳۷۹ جمعاً ۴۰۱ نفر نوجوان بزهکار سنین ۱۳ تا ۱۸ سال شمسی محکومیت داشته (آمار ورودی به کانون اصلاح و تربیت استان یزد) که ۳۷۳ نفر مذکر و ۲۸ نفر مؤنث بوده‌اند، نمونه‌گیری به صورت تصادفی و شامل ۹۳ نفر مذکر و ۷ نفر مؤنث بوده است.

ب: نوجوانان سازگار

تعریف: نوجوانان سازگار عبارتند از: دانش‌آموزان مشغول به تحصیل در سطح استان که پرونده محکومیت نداشته و مسئولان مدرسه از رفتارهای اجتماعی آنان اظهار رضایت داشته‌اند. در سال ۱۳۷۹ جمعاً حدود ۳۸۰۰۰ نفر دانش‌آموز دختر و پسر در دوره‌های متوسطه و پیش‌دانشگاهی مشغول به تحصیل بوده که با محاسبات آماری ۱۰۵ نفر پسر و ۶۵ دختر به صورت خوشه‌ای از ۱۰ مدرسه به صورتی تصادفی انتخاب شدند.

متغیرها

برای این تحقیق ۳ متغیر به شرح زیر تشخیص داده شد:

- ۱- متغیرهای مستقل: این متغیرها عبارتند از: سن، جنس، شرایط خانوادگی و دیگر عوامل محیطی.
- ۲- متغیرهای تعدیل‌کننده (مخدوش‌کننده): این متغیرها عبارتند از: نگرش افراد دو گروه نسبت به خود، دیگران و مقررات اجتماعی.
- ۳- متغیرهای وابسته: این متغیرها عبارتند از: رفتار بزهکارانه یا سازگارانه.



داده‌ها

داده‌های تحقیق بر حسب متغیرها در ۲ قسمت الف و ب بدین شرح بوده است.

الف - متغیرهای مستقل

مقایسه شرایط خانوادگی و عوامل اجتماعی افراد دو گروه مورد مطالعه نشان داد که نوجوانان بزهکار اعم از مذکر یا مؤنث اکثراً از خانواده‌های فقیر، بی‌سواد یا کم‌سواد، پراولاد و مهاجر به استان مورد بررسی بودند. تنها ۱۹ درصد آنان دانش‌آموز مشغول به تحصیل و ۸۱ درصد بقیه در سنین ۱۳ تا ۱۸ سال، خود را شاغل یا بی‌کار معرفی کردند. ۵۷ درصد اصلاً اهل استان مورد بررسی (یزدی) نبوده و به دلیل ارتکاب جرائم مختلف در سطح استان دستگیر و محکوم شده بودند. ۱۴ درصد یتیم و ۲۳ درصد دارای مادر ناتنی بودند، به همین دلیل ۱۶ درصد آنان تنها و ۹ درصد دیگر با اقوام خود زندگی می‌کردند.

داده‌های فوق برای نوجوانان سازگار از صفر تا حداکثر ۱۰ درصد (مهاجرین به استان) متغیر بود. به عبارتی دیگر، تعدادی از نوجوانان سازگار نیز والدینی فقیر، بی‌سواد و کم‌سواد و مهاجر به استان داشته و حتی تعدادی یتیم و یا پدری بی‌کار و غیرایرانی داشتند، بدون اینکه الزاماً بزهکار باشند. این مطلب نشان می‌داد که علاوه بر عنصر شناختی، عنصر دیگری که آن را طبق تعریف عنصر احساسی (یا عاطفی) نامیده‌ایم در شکل‌گیری نگرشهای ناسالم نوجوانان نسبت به خود، دیگران و واقعیت‌های اجتماعی نقش داشته است.

مقایسه اطلاعات به دست آمده از احساسهای افراد دو گروه نسبت به دیگران چنین بوده است.

۱- ۱۹ درصد از نوجوانان بزهکار رابطه عاطفی مناسبی با پدر و ۶ درصد رابطه عاطفی مناسبی با مادر خود نداشته و ۲۳ درصد دارای پدر ناتنی یا مادر ناتنی بودند. موارد فوق در خانواده نوجوانان سازگار صفر درصد و تنها یک مورد رابطه با پدر «ضعیف» گزارش شده بود.

۲- رابطه عاطفی نامناسب بین خواهران و برادران تنی در نوجوانان بزهکار ۱۳ درصد و



- در نوجوانان سازگار ۳ درصد ذکر شده بود.
- ۳- ۱۶ درصد نوجوانان بزهکار اصلاً یا به مدرسه نگذاشته بودند و ۲۶ درصد آنان که به مدرسه رفته بودند رابطه عاطفی مناسبی با معلمان دبستانی خود نداشتند. حالت اخیر در نوجوانان سازگار ۳ درصد بوده است.
- ۴- ۳۹ درصد نوجوانان بزهکار به دوره راهنمایی نرسیده و ۱۸ درصد ثبت نام کنندگان این دوره رابطه عاطفی خوبی با دبیران این مقطع تحصیلی نداشتند. این احساس در نوجوانان سازگار ۲ درصد گزارش شده بود.
- ۵- ۲ درصد از نوجوانان بزهکار رابطه خود را با دبیران دبیرستانی «خوب» ذکر نموده و این احساس در نوجوانان سازگار ۸۵ درصد خوب و بسیار خوب ذکر شده بود.
- ۶- رابطه عاطفی ناسالم با افراد فامیل نزدیک (عمو، دایی، عمه، خاله و فرزندان آنها) در نوجوانان بزهکار ۲۸ درصد و در نوجوانان سازگار ۵ درصد گزارش شده بود.
- داده‌های فوق دلایلی مستند بر این ادعا هستند که نوجوانان بزهکار از بدو تولد بزهکار متولد نمی‌شوند بلکه عوامل نامساعد بیرونی که در این پژوهش آنها را متغیرهای مستقل خوانده‌ایم همراه با احساسهای ناسالم باعث شکل‌گیری نگرشهای ناسالم در آنها شده و آنان را برای ارتکاب جرائم آماده می‌سازد.
- انواع جرائم آنها به صورت نزولی و بر حسب درصد عبارت بوده است از: حمل و مصرف مواد مخدر (۶۱)، سرقت (۳۰)، ایراد ضرب (۲)، اعمال منافی عفت (۲)، قتل (۲) و دیگر موارد (۳). نمونه‌هایی از مصاحبه‌های انجام شده برای شناخت بهتر باورهای آنان در زیر آورده شده است:
- ۱- نوجوانان بزهکار اهل تسنن اعم از ایرانی و غیرایرانی بر این باور بودند که مواد مخدر نوعی دارو برای بیماران است و خرید، حمل و فروش آنها نوعی تجارت و شرعاً حلال است (بالاترین میزان جرائم نوجوانان مورد مطالعه).
 - ۲- بسیاری از نوجوانان سارق مدعی بودند که دزد نیستند. آنها در جملات مختلف این مفهوم را اظهار می‌داشتند: «دزد کسانی هستند که این همه سرمایه جمع کرده‌اند و ما حق خودمان را از این دزدها برمی‌داریم.» (دومین میزان جرائم در این تحقیق).
 - ۳- جالب‌ترین نمونه نوجوانی بود که خواهر ناتنی خود را با دستهای خود خفه کرده



بود و می گفت: «خواهرم فردی منحرف بود و من برای اصلاح جامعه او را کشتم.»
جرم شناسان بر این باورند که شکل گیری این گونه نگرشهای ناسالم در افراد به سبب وجود عواملی خاص در زندگی آنهاست. به همین دلیل، استدلال می کنند که کیفر نمی تواند این گونه نگرشها را اصلاح نماید (کی نیا، ۱۳۷۴).^۱

ب - متغیرهای تعدیل کننده

یعنی نگرش نسبت به خود، دیگران و واقعیت های اجتماعی.

۱- نگرش نسبت به خود:

مقایسه پاسخ افراد دو گروه به سوالات سنجش نگرش نسبت به «خود» نشان داد که احساس ناامیدی نسبت به آینده در نوجوانان بزهکار ۱۸ درصد بیشتر و احساس خوشبختی در آنها ۴۲ درصد کمتر بود. احساس اضطراب در نوجوانان بزهکار ۲۴ درصد بیشتر و احساس خجالتی بودن ۲۵ درصد بیشتر بود و سرانجام احساس پذیرش توسط دیگران در نوجوانان بزهکار ۳۴ درصد کمتر از نوجوانان سازگار بود.

۲- نگرش نسبت به دیگران:

مقایسه پاسخ افراد دو گروه نسبت به «دیگران» نشان داد که از یک طرف عدم اعتماد به دوستان نزدیک در نوجوانان بزهکار ۱۲ درصد بیشتر و از طرف دیگر وفای به عهد نسبت به دوستان ۱۹ درصد بیشتر بود. این بدان معناست که بسیاری از نوجوانان بزهکار قربانیان امیال دوستان به اصطلاح ناباب خود بوده و باز هم برای قربانی شدن آمادگی داشتند. احساس عدم مقبولیت توسط دیگران در نوجوانان بزهکار ۱۹ درصد بیشتر و احساس بی احترامی نسبت به خود توسط دیگران را ۳۲ درصد بیشتر تجربه کرده بودند و به همین دلیل کوشش برای جلب رضایت دیگران در نوجوانان بزهکار، ۵۲ درصد کمتر از نوجوانان سازگار بود.

۳- نگرش نسبت به مقررات اجتماعی:

مقایسه نگرشهای افراد دو گروه نسبت به «مقررات اجتماعی» به این نتیجه رسید که عدم اجرای مقررات توسط دیگران در باور نوجوانان بزهکار ۲۱ درصد بیشتر بود و به همین دلیل، نگرش آنها به این مطلب که همه انسانها خوب هستند، ۲۶ درصد کمتر از



نوجوانان سازگار بود. در بررسی باورهای دینی دو گروه مشخص گردید که نوجوانان بزهکار ۳۳ درصد کمتر از نوجوانان سازگار به زندگی بعد از مرگ پاسخ مثبت داده بودند. همچنین در مورد این سؤال که دین و مذهب باعث خوشبختی انسانها می شود، پاسخهای مثبت بزهکاران ۱۳ درصد کمتر بود. هر چند در مورد سؤالاتی چون «خداوند مرا دوست دارد» و «بدون تقلب نمی توان موفق شد» اختلاف پاسخها کمتر از ۱۰ درصد و به نفع نوجوانان سازگار بود ولی جالبترین اختلاف در پاسخ به این سؤال بود که «من فردی باایمان هستم» زیرا ۷۲ درصد نوجوانان بزهکار و ۶۰ درصد نوجوانان سازگار به این سؤال پاسخ «کاملاً موافقم» را انتخاب نموده بودند که ظاهراً تعجب برانگیز است ولی با مروری مجدد به داده های قبلی به این نتیجه می رسیم که پاسخ دهندگان نسبت به پاسخهای خود صادق بوده اند؛ زیرا ۶۱ درصد کل جرائم در نوجوانان بزهکار مورد مطالعه حمل و مصرف مواد مخدر بوده است که ۴۱ درصد آنان از پیروان مذهب تسنن بوده و بر این باور بودند که خرید، فروش و حمل و نقل مواد مخدر به عنوان دارو شرعاً مجاز است. بنابراین می توان گفت آنها افرادی دیندار و باایمانند ولی باورهای مذهبی آنان با قوانین کیفری مغایرت دارد.



پیشینه تحقیق

در زمینه بزهکاری، اولین و غم انگیزترین داستان انسانها از بیان کلاما... مجید در آیه شریفه ۲۹ از سوره مبارکه المائده آمده است. مضمون آیه چنین است: «بعد از این گفتگو، هوای نفس او (قابیل) را به کشتن (هابیل) ترغیب کرد تا او را کشت و بدین سبب از زیانکاران است.» هنوز هم بسیاری از جرم شناسان و روان کاوان در مورد انگیزه قابیل برای قتل هابیل اظهار نظر می نمایند و اکثراً بر این باورند که «عقده قابیل» یا «عقده کائن» تنها داستان دو پسر حضرت آدم (ع) نیست بلکه داستان همه انسانهاست.^۲

اولین نظریه پردازی که در قرن نوزدهم میلادی به بررسی خصوصیات «مرد جنایتکار» پرداخت، لومبروزو^(۱) (آزاد، ۱۳۷۲)^۳ بود. او در کتاب خود تحت همین عنوان به بررسی صفات مشخصه کالبدشناختی و فیزیولوژیکی مربوط به اعمال بدنی مردان

جنایتکار پرداخته و مدعی می‌شود که خصلت اساسی جنایتکاران بی‌حسی بدنی و اخلاقی آنان نسبت به افراد طبیعی است (ص ۲۰).

اگر بخواهیم پیشینه «مقایسه نگرشهای سالم و ناسالم نوجوانان» را از بین کتابهای مرجع در «سرفصل دانشگاهی» انتخاب نماییم اولین و قدیمی‌ترین گزارشها را در کتاب معروف اتوکلاین برگ^(۱) (ترجمه کاردان، ۱۳۴۶) تحت عنوان «روان‌شناسی اجتماعی» می‌یابیم. در جلد دوم این کتاب آمده است:

«یکی از دقیق‌ترین و مهم‌ترین مطالعاتی که درباره جنبه‌های روانپزشکی جرم نوجوانان شده مطالعه هلی و بروئر^(۲) در مورد بیمارانی است که در بخشهای راهنمایی تربیتی شهر بوستون^(۳) از سال ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۳ بستری شده بودند. این دو دانشمند به معاینه دقیق و عمیق ۱۰۵ جفت کودکان که مرتکب خلاف بزرگی شده بودند و نیز برادران و خواهران غیرمجرم ایشان پرداختند. یعنی نوجوانان مجرم را با خواهران و برادرهایشان طوری مقایسه کردند که بتوانند عوامل مربوط به وراثت و محیط اجتماعی و اقتصادی را درست زیر نظر بگیرند. سرانجام به این نتیجه رسیدند که تقریباً ۹۱ درصد نوجوانان مجرم از اختلالات عاطفی شدید رنج می‌بردند؛ یعنی از حیث روابط عاطفی و این که مورد بی‌مهری قرار گرفته بودند، هم احساس ناامنی می‌کردند و هم این که از احساس حسادت، حقارت و رقابت با برادران خود در کشمکش بودند.» (ص ۴۷۶)

از نیمه دوم قرن بیستم تحقیق در زمینه بزهکاری کودکان و نوجوانان افزایش یافت و کشورهای مختلف در زمینه علل و عوامل بزهکاری آنان تحقیقات دامنه‌داری را آغاز نمودند. اولین یافته‌ها در علل بزهکاری کودکان و نوجوانان روابط غلط والدین با یکدیگر و مخصوصاً مسئله طلاق بوده است. نمونه‌هایی از این بررسیها به استناد کتاب «مبانی جرم‌شناسی» (کی‌نیا، ۱۳۶۹)^۵ به شرح زیر است:

«تحقیقات پولک^(۴) در مورد بزهکاران نوجوان مؤسسات مختلف تأدیبی شهر لوس‌آنجلس به سال ۱۹۵۶ نشان داد که ۴۳ تا ۵۸ درصد این قبیل بزهکاران متعلق به خانواده‌های از هم پاشیده بودند.» (ص ۲۲۰)

1. Otto Kleinberg.
3. Boston.

2. Healy, W & Bruner, A.
4. Polk.



شازال^(۱) می‌نویسد: «۷۰ تا ۸۰ درصد بزهکاران خردسال از خانواده‌های از هم پاشیده برخاسته‌اند.» (ص ۲۱۲)

«همچنین ایوان‌نی^(۲) به این نکته پی برد که ۲۴ درصد از شاگردان یک مدرسه متوسطه که از خطرناکترین تبهکاران بودند از خانواده‌های نابسامان برخاسته‌اند.» (ص ۲۲۱)

«برت^(۳) در کشور انگلستان گروهی از بزهکاران را با گروهی شاهدِ ناکرده بزه مقایسه کرد و به این نتیجه رسید که تعداد افراد بزهکار تقریباً دو برابر افراد ناکرده بزه است که هر دو گروه متعلق به خانواده‌های از هم پاشیده بودند. مثلاً اگر سیصد خانواده از هم پاشیده باشند، نوجوانان دویست خانواده به بزهکاری گراییده و نوجوانان صد خانواده مرتکب بزه می‌شده‌اند.» (ص ۲۲۱)

گلوک‌ها^(۴) که در آتازونی دست به تحقیق مشابهی زدند به این نتیجه رسیدند که این نسبت ۱/۸ در مقابل یک است.» (ص ۲۲۱)

«اسلاوسون^(۵) نیز به چنین تحقیقی همت گماشت و تعداد مؤسسات مخصوص تبهکاران نوجوان ایالت نیویورک را با مدارس عمومی شهر نیویورک که در آن فرزندان پایین‌ترین طبقات اجتماعی به سر می‌بردند مقایسه نموده و نسبت این دو را ۱/۵ در برابر یک به دست آورد.» (ص ۲۲۱)

«شاو و مک‌کی^(۶) بزهکاران نوجوان را با کودکان همسالی که به دبستان می‌رفتند و هر دو گروه از یک ملیت بودند مقایسه کردند و به این نتیجه رسیدند که ۴۲/۵ درصد بزهکاران نوجوان و ۳۶/۱ درصد کودکان نوآموز همسن از میان خانواده‌های از هم پاشیده بودند.» (ص ۲۲۲)

«در شیکاگو با همین روش، مطالعه‌ای روی دختران بزهکار به عمل آمد و به این نتیجه رسید که ۶۶/۸ درصد دختران بزهکار که ۴۴/۸ درصد آنان دختران مشغول به تحصیل دبستانی بودند متعلق به خانواده‌های از هم پاشیده بودند.» (ص ۲۲۲)

1. Shazal.

2. Ivan Nye.

3. Burt.

4. Glueck.

5. Slawson.

6. Shaw et Mackay.



دومین عامل زمینه ساز در بزهکاری کودکان و نوجوانان محیط جغرافیایی شناخته شده است. نمونه‌هایی از تأثیر محیط جغرافیایی بر بزهکاران نوجوان را از کتاب «مبانی جرم‌شناسی»^۱ نقل می‌نماییم:

«تحقیقاتی که به وسیله استانیو^(۱) در بعضی از محلات پاریس انجام شده است نشان می‌دهد که این محلات از نظر اقتصادی بسیار ضعیف و فقیر و اکثریت ساکنان آن کارگران عادی و بدون کوچکترین اطلاعات فنی بوده‌اند که بعد از کار فرساینده روزانه در برابر جیغ و فریاد انبوه جمعیت خانواده و مشاهده زد و خورد آنان به می‌گساری می‌پردازند... در این گونه محله‌ها که "شکم" حکومت می‌کند "فرهنگ" معنایی ندارد.» (ص ۲۳۹)

«پروفسور کین برگ^(۲) عقیده دارد به علت عدم کفایت محرکه‌های فرهنگی، زندگی احساساتی تا حدی به وضع ابتدایی خود باقی می‌ماند. به این معنی که در افرادی که تحت تأثیر چنین محیطی قرار می‌گیرند بسیاری از صفات و عواطف آنان رشد نمی‌کند و به نظر می‌رسد که این عقب ماندگی چندان بستگی به سطح هوشی افراد ندارد. زیرا در میان اشخاصی که در چنین محیطی بزرگ شده‌اند افرادی که از قوای عقلی کاملی برخوردار باشند و همچنین از درک نکات ظریف عاطفی و اخلاقی بالنسبه عاجز باشند، کم نیستند.» (ص ۲۴۰)

«برجس^(۳) بزهکاری نوجوانان را در یک شهرک دوازده هزار نفری بررسی نمود و دریافت که بزهکاری در یک ناحیه آن سه مرتبه بیشتر از دو نواحی دیگر است. نکته جالب توجه این که سطح اقتصادی این سه ناحیه در یک سطح بود و نسبت سیاه‌پوستان در آن دو ناحیه بیشتر بود ولی نسبت بزهکاری در آن دو ناحیه خیلی کمتر بود. او به این نتیجه رسید در ناحیه‌ای که سطح جنایت نوجوانان در آن بالا بود، سطح فرهنگی خانواده و توجه به مسایل اخلاقی پایین بود، یعنی عدم وجود مدرسه، کلیسا، زمین ورزش و مراکز فرهنگی روحیه بزهکاری را در نوجوانان تقویت می‌کند.» (ص ۲۴۱)

«تحقیق دیگری نشان داد که در شبکاگو، درصد افرادی که بدون عذر موجه غیبت

1. Stanciv A.

2. Kinberg O.

3. Burgess.



می کنند و به سرکار خود نمی روند و همچنین درصد نوجوانان بزهکار و جنایتکاران بزرگسال به طور مسلم از ناحیه ای به ناحیه دیگر تغییر می نماید. اکثراً بالاترین میزان خلافکاریها، در مرکز شهر است و به طور کلی به تدریج که از مرکز شهر به محیط اطراف آن برویم درصد جرایم کاسته می شود.» (ص ۲۴۱)

بسیاری از محققان چنین باور دارند که این نوع توزیع بزهکاری اختصاص به ایالت شیکاگو ندارد و محلی بودن بزهکاری در بسیاری از شهرها قابل اثبات است. دیگر یافته های محققان به این مطلب اشاره دارد که معمولاً در هر شهر می توان محله هایی را مشخص نمود که میزان بزهکاری در آنها بیشتر است. یافته های این پژوهشگران نشان می دهد که درصد بزهکاری نوجوانان در محله های فقیرنشین بیشتر از محله های اعیان نشین است.

بررسیهای جدیدتر و دقیق تر مطالب فوق را به شرح زیر اصلاح می نماید:

«در قلب شهر و محله های اعیانی سرقت و جرایم علیه اموال خیلی کمتر از سایر جاها وقوع می پیوندند، در عوض این گونه مراکز، کانون سایر رفتارهای مجرمانه ولی مجرمانه است. یعنی در آنجا بعضی از جرایم مربوط به شرکتهای بازرگانی، جرائم علیه قوانین مالی و اجتماعی، بعضی اخاذیها و اعمال غیرشرافتمندانه در امور بازرگانی، صنعتی و اقتصادی به وقوع می پیوندند که جامعه شناسان آمریکایی این دسته از جرایم پوشیده از نظار را "بزهکاری مردان یقه سفید" می نامند.»^۷ (ص ۷۱۱)

به عبارتی دیگر بررسیهای جدید نه تنها تأثیر مکان را در بزهکاری انکار نمی کند بلکه نوع جرایم را نیز تا حدودی تابع آن می داند با این تفاوت که ارتکاب جرایم در محله های فقیرنشین که اصطلاحاً توسط افراد طبقه پایین و کارگران غیرماهر (یقه آبی ها) انجام می شود اکثراً توسط پلیس کشف می شود ولی فسادهای مالی و اعمال غیرشرافتمندانه که توسط (یقه سفیدها) انجام می گیرد آن چنان هوشمندانه و ماهرانه صورت می گیرد که هیچگاه به اطلاع پلیس نمی رسد و چون این آمارهای جنایی در این مناطق ثبت نمی گردد لذا نمی توان به طور قطعی یک نقشه جنایی از یک شهر ترسیم نمود و به مقایسه آمارهای حقیقی نوجوانان و بزرگسالان بزهکار در یک محله پرداخت. سومین عامل بزهکاری کودکان و نوجوانان از پایان جنگ جهانی دوم، فقدان پدر در



خانه شناخته شد، زیرا کشته شدن پدر یا به اسارت درآمدن او و نبودن سایه پدر بر سر فرزندان عاملی آشکار در بروز بزهکاری فرزندان بود. مشکل از دست دادن پدر یا مادر برای اکثر کودکان غم‌انگیز و جانفرساست و این مشکل زمانی بیشتر می‌شود که مادر نتواند نقش رهبری خود را در کنترل فرزندان ادامه دهد.

دکتر کارل کلاوس^(۱) درباره نقشی که فقدان پدر می‌تواند در آینده فرزندان داشته باشد به مطالعه و تحقیق پرداخته و به خصوص سعی کرده است مطالعه خود را روی نمونه‌هایی انجام دهد که از مفاسد ارثی مصون و دور از هرگونه عامل فساد اخلاقی بوده باشند؛ یعنی بررسی خود را به تیمان جنگی آلمان اختصاص داده و این مسأله را در کتابی که تحت عنوان (مادر و پسر) انتشار یافته شرح داده است. مطالعه جدی و دقیق وی درباره ۱۸۹ یتیم نشان می‌دهد که یک قسمت از این کودکان یتیم که بزهکار و فاسد بار آمده‌اند، مادران آنان طبع انفعالی داشته‌اند. در این گزارش آمده است:

«در بین این عده، کودکانی که به دبستان می‌رفتند بسیار بی‌انضباط و سرکش و نافرمان بودند و حرمت مادر را به یاد نداشتند. اغلب آنان رغبتی به درس و انجام دادن تکالیف ابراز نمی‌نمودند. بیش از سایر کودکان در قمار مهارت و زیردستی داشتند. تا این که از این مَمَر پولی به دست آورند، از ابراز تمایل در دستبرد مالی به اموال رفقای خود و سایرین باکی نداشتند، حتی کار بعضی از آنان به "جنون سرقت"^(۲) کشید. عده‌ای خیال‌پرداز و دچار "جنون افسانه‌بافی"^(۳)، عده‌ای دیگر گرفتار جرایم جنسی بودند. پس از ترک آموزشگاه، با دوستان و جامعه خود بنای بد رفتاری گذاشتند و به هنگام بحران اقتصادی جزء اولین دسته کارگرانی بودند که اخراج شدند. بی‌تربیت و فاقد کف نفس به نظر می‌رسیدند.»^(۴) (کی‌نیا، ۱۳۶۹، ۲۱۵)

نزول آیات مکرّر در کلام... مجید در مورد نیکی کردن و مراعات انصاف نمودن و گرامی داشتن کودکان و نوجوانان یتیم بر هیچ مسلمانی پوشیده نیست* و این نشان

1. Dr. Karl Clauss.

2. Claptomanie.

3. Mythomanie.

*. برای مثال، آیه‌های شریفه، آیه ۱۷ از سوره مبارکه فجر، آیه ۹ از سوره ضحی، آیات ۱ و ۲ از سوره ماعون و قسمتهایی از آیات ۸۳ و ۱۷۷ از سوره بقره، آیه ۲، ۸، ۲۵، ۳۶ و ۱۲۷ از سوره نساء، آیه ۲۴ از سوره اسراء و آیه شریفه ۱۵ از سوره مبارکه بلد است.



می دهد که سیاست اسلام در مورد بزهدکاری کودکان و نوجوانان مبتنی بر علم پیشگیری است و به همین دلیل مسلمانان جهان را درباره اداره امور یتیمان به منظور رشد شخصیت سالم آنان و جلوگیری از بروز احساسهای ناسالم نسبت به خود، دیگران و مقررات اجتماعی تعلیم می دهد. برای جلوگیری از بروز احساسهای ناسالم در کودکان و نوجوانان در آیه شریفه ۳۶ از سوره مبارکه نساء آمده است:

«خدای یکتا را پرستید و چیزی را بر او شریک قرار ندهید، نسبت به پدر و مادر، خویشان و یتیمان، فقیران، همسایگان نزدیک و بیگانه، دوستان موافق، مسافران، بندگان و پرستارانی که زیر دست شمایند نیکی و مهربانی کنید که خداوند مردم خودپسند و متکبر را دوست ندارد.»

آیه فوق به خوبی نشان می دهد که مسأله بزهدکاری کودکان و نوجوانان از دیدگاه اسلامی متکی بر علم پیشگیری است و اگر مراتب فوق در جامعه اعمال نشود، کودکان یتیم و «شبه یتیم» در معرض خطر بزهدکاری قرار دارند. «شبه یتیم» یعنی کودکانی که پدر و مادر آنها در قید حیات هستند ولی از حیات عاطفی آنان بهره کافی نمی برند و چون این مهم می تواند در همه کودکان متعلق به همه طبقات اجتماعی رخ دهد لذا حلقه گمشده بزهدکاری همچنان ناپیدا باقی مانده است.



آزمون فرضیه ها

قبل از آزمون فرضیه ها ضرورت داشت نمره نگرشهای افراد دو گروه را طوری طبقه بندی نماییم که نمره نگرشهای سالم، ضعیف و ناسالم از یکدیگر تفکیک گردد. در ابتدای کار دامنه تغییرات نمره نگرشها اعداد ۱۰ تا ۵۰ تعیین شده بود ولی عملاً مشاهده گردید که حداقل و حداکثر نمرات افراد مورد مطالعه اعم از بزهدکار یا سازگار اعدادی بین ۱۸ تا ۴۸ بود. لذا بهترین اعداد با ملاک آماری برای طبقه بندی نگرشها در ۳ گروه سالم، ضعیف و ناسالم به شرح زیر به دست آمد:

۱۸-۳۱	نگرش ناسالم
۳۲-۳۹	نگرش ضعیف
۴۰-۴۸	نگرش سالم

برای آزمون فرضیه شماره ۱، نمره نگرشهای افراد دو گروه، طبق طبقه‌بندی فوق در جدول ۱ آمده است.:

جدول شماره ۱. نگرش نسبت خود در دو گروه مورد مطالعه

انفراد	نگرش		سالم		ضعیف		ناسالم		جمع
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
بزهکار	۲	۲	۳۷	۳۷	۶۱	۶۱	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
سازگار	۷۴	۴۴	۷۱	۴۲	۲۵	۱۴	۱۷۰	۱۰۰	۱۰۰

تفاوت بین نمرات دو گروه به وسیله کای اسکوئر آزمون گردید و $P < 0/001$ به دست آمد، یعنی؛ فرضیه شماره ۱ که می‌گوید: «نوجوانان بزهکار در مقایسه با نوجوانان سازگار نسبت به خود نگرش ناسالم دارند.» مورد تأیید است.
برای آزمون فرضیه شماره ۲، نمره نگرشهای افراد را در جدول شماره ۲ آورده‌ایم.

جدول شماره ۲. نگرش نسبت به دیگران در دو گروه مورد مطالعه

انفراد	نگرش		سالم		ضعیف		ناسالم		جمع
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
بزهکار	۴	۴	۵۲	۵۲	۴۴	۴۴	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
سازگار	۲۹	۱۷	۱۰۲	۶۰	۳۹	۲۳	۱۷۰	۱۰۰	۱۰۰

در جدول فوق نیز $P < 0/001$ یعنی تفاوتها معنی دار است و فرضیه شماره ۲ این پژوهش که بیان می‌کند: «نوجوانان بزهکار در مقایسه با نوجوانان سازگار نسبت به دیگران نگرش ناسالم دارند.» مورد تأیید است.
برای آزمون فرضیه شماره ۳، نمره نگرشهای افراد دو گروه را در جدول شماره ۳ نشان داده‌ایم.



جدول شماره ۳. نگرش نسبت به مقررات اجتماعی در دو گروه مورد مطالعه

نگرش	سالم		ضعیف		ناسالم		جمع
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
بزهکار	۳۹	۳۹	۳۸	۳۸	۲۳	۲۳	۱۰۰
سازگار	۹۲	۵۴	۶۸	۴۰	۱۰	۶	۱۷۰

در جدول فوق نیز $P < ۰/۰۰۱$ است یعنی تفاوتها معنی دار بوده و فرضیه شماره ۳ که مدعی است: «نوجوانان بزهکار در مقایسه با نوجوانان سازگار نسبت به مقررات اجتماعی نگرشی ناسالم دارند.» تأیید می‌گردد.

برای آزمون فرضیه شماره ۴ با این مشکل مواجه شدیم که به علت کمی تعداد نمونه در بعضی جرائم تفاوتها از نظر آماری معنی دار نگردید. برای روشن شدن مطلب رابطه بین نگرش نسبت به خود دیگران و مقررات اجتماعی و ارتکاب جرائم نوجوانان بزهکار در جدولهای شماره ۴، ۵ و ۶ آمده است.

جدول شماره ۴. رابطه بین نگرش نسبت به خود و ارتکاب جرائم در نوجوانان بزهکار

نگرش	سالم		ضعیف		ناسالم		جمع
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
مواد مخدر	۲	۳	۲۲	۳۶	۳۷	۶۱	۱۰۰
سرقت	۰	۰	۱۱	۳۷	۱۹	۶۳	۱۰۰
ایراد ضرب	۰	۰	۲	۱۰۰	۰	۰	۱۰۰
منافی عفت	۰	۰	۰	۰	۲	۱۰۰	۱۰۰
قتل	۰	۰	۱	۵۰	۱	۵۰	۱۰۰
دیگر موارد	۰	۰	۱	۳۳	۲	۶۷	۱۰۰
جمع	۲	۲	۳۷	۳۷	۶۱	۶۱	۱۰۰



جدول شماره ۵. رابطه بین نگرش نسبت به دیگران و جرائم ارتكابی

جرائم	نگرش		سالم		ضعیف		ناسالم		جمع
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
مواد مخدر	۳	۵	۳۳	۵۴	۲۵	۴۱	۶۱	۱۰۰	
سرقت	۱	۳	۱۵	۵۰	۱۴	۶۷	۳۰	۱۰۰	
ایراد ضرب	۰	۰	۱	۵۰	۱	۵۰	۲	۱۰۰	
منافی عفت	۰	۰	۰	۰	۲	۱۰۰	۲	۱۰۰	
قتل	۰	۰	۱	۵۰	۱	۵۰	۲	۱۰۰	
دیگر موارد	۰	۰	۲	۶۷	۱	۳۳	۳	۱۰۰	
جمع	۴	۴	۵۲	۵۲	۴۴	۴۴	۱۰۰	۱۰۰	

جدول شماره ۶. رابطه بین نگرش نسبت به مقررات اجتماعی و ارتكاب جرائم

جرائم	نگرش		سالم		ضعیف		ناسالم		جمع
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
مواد مخدر	۲۸	۴۶	۲۰	۳۳	۱۳	۲۱	۶۱	۱۰۰	
سرقت	۸	۲۷	۱۲	۴۰	۱۰	۳۳	۳۰	۱۰۰	
ایراد ضرب	۱	۵۰	۱	۵۰	۰	۰	۲	۱۰۰	
منافی عفت	۰	۰	۲	۱۰۰	۰	۰	۲	۱۰۰	
قتل	۱	۵۰	۱	۵۰	۰	۰	۲	۱۰۰	
دیگر موارد	۱	۳۳	۲	۶۷	۰	۰	۳	۱۰۰	
جمع	۳۹	۳۹	۳۸	۳۸	۲۳	۲۳	۱۰۰	۱۰۰	

علی‌رغم وجود تفاوتها در ارقام جدولهای فوق، به علت کمتر بودن اعداد از رقم ۵ در ستون جمع / ایراد ضرب (۲ نفر)، منافی عفت (۲ نفر)، قتل (۲ نفر) و دیگر موارد (۳ نفر) [تفاوتها از نظر آماری معنی‌دار نگردید. یعنی با وجود این که جدولهای فوق به



خوبی نشان می‌دهد، همه افرادی که به خودفروشی (اعمال منافی عفت) مبادرت ورزیده‌اند (۱۰۰ درصد) نسبت به «خود»، «دیگران» و «مقررات اجتماعی» نگرشی ناسالم دارند. با وجود این به علت کمی تعداد نمونه، قابلیت آزمون را ندارد و فرضیه شماره ۴ این پژوهش مورد تأیید نیست. یعنی به طور حتم نمی‌توان ادعا نمود همه افرادی که جرایم مشابه دارند، دارای نگرشهای ناسالم مشابه‌ای نسبت به خود، دیگران و واقعیت‌های اجتماعی هستند.

نتیجه

از دیدگاه اسلامی، استاد شهید، مرتضی مطهری، عامل بزهکاری را در محیط می‌بیند و افراد بزهکار را انسانهای «مسخ شده»^۹ می‌خواند. او می‌نویسد: انسان در بدو تولد، پاره‌ای از ادراکات یا گرایشها و خواستها را بالقوه دارد و به تعبیر فلاسفه با عقل و اراده متولد می‌شود... [بنابراین،] در آغاز تولد، در محدوده امکان استعداد خود، خواهان و جویای یک سلسله دریافتها و گرایشها است و یک نیروی درونی او را به آن سو سوق می‌دهد - با کمک شرایط بیرونی؛ و اگر به آنچه بالقوه دارد برسد، به فعلیتی که شایسته اوست و «انسانیت» نامیده می‌شود رسیده است و اگر به فعلیتی غیر آن فعلیت در اثر «قسر»^{*} و جبر عوامل بیرونی بر او تحمیل شود یک موجود مسخ شده خواهد شد (ص ۸۳).

نگارنده در کتاب «بررسی مسائل نگرشی در نوجوانان بزهکار»^{۱۰} این گونه افراد را «بزهکاران طبیعی» خوانده و رفتار آنها را بازتاب طبیعی از باورهای شخصی و گاهی از جهل خانوادگی و یا جبر محیطی دانسته، آنها را به دو دسته به شرح زیر تقسیم نموده است:

۱- بزهکاران بدآموز

بزرگترین مشکل این بزهکاران آن است که بد تربیت شده‌اند و طبق باورها و امیال درونی خود عمل می‌نمایند. اجرای قوانین برای آنان گاهی بی‌ارزش و گاهی مغایر با

* قسر: کسی را به ستم به کاری واداشتن (فرهنگ معین).



باورهای شخصیتی آنهاست. یعنی می توان گفت طبق پردازشهای شناختی و احساسی خود عمل می کنند. اکثراً از خانواده های طبقه اول و متوسط اجتماع هستند و از رفتارهای ضداجتماعی خویش احساس گناه نمی کنند.

۲- بزهداران دست آموز

بسیاری از این نوجوانان مظلوم ترین افراد جامعه هستند. اغلب آنها از خانواده های از هم پاشیده طبقه سوم و یا قربانیان دست نامادری و بزرگسالان سودجو، اعم از فامیل یا غیرفامیل خود هستند. گروهی از آنان از دوران کودکی مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته، تعدادی برای تکدی و جیب بری آموزش دیده و تعدادی دیگر برای رهایی از مظالم خانوادگی از منزل فرار کرده اند. سرانجام معدودی در حمل مواد مخدر به روش «انباری» جان خود را از دست می دهند بدون این که عاملین اصلی شناسایی و مجازات شوند.

گروهی از جرم شناسان برای این گونه بزهداران اصطلاح «بزه دیده» اطلاق نموده اند. برای مثال در کتاب «مقدمه ای بر جرم شناسی»^{۱۱} می خوانیم:

این رهیافت جدید در رابطه با دانشی است که آن را «جرم شناسی بزهدیده شناختی» یا «بزهدیده شناسی مجرمانه» نامند و در اثر عملی که خطری از آن متوجه آدمی می شود، خواه ناشی از اعمال مجرمانه باشد، خواه ناشی از سایر وقایع، شخصی که از آن بابت آسیب و زیان دیده است «بزه دیده» قلمداد می شود (ص ۱۹۶).

کی نیا در کتاب «روان شناسی جنایی»^{۱۲} مدعی این مطلب است که:

ریشه تمام واکنشهایی که «بزهداری» خوانده می شود در اثر حالتی است که به انسان در اثر ناکامی و فشارها و در نتیجه عدم تعادل دست می دهد. ناکامی ها و محرومیت کودکان در ارضای نیازهای اصلی از علل بزهداری است. کودک ناکام، هنگامی که می کوشد تا خود را از عدم تعادل عاطفی رهایی بخشد به طور ناخودآگاه دوراه بیشتر در پیش ندارد. بزهداری یا روان نژندی؛ اگر تمایلات سرکوب گردد، روان نژندی بروز می کند و اگر کودکی امکان مقاومت در برابر فشار محیط را از دست بدهد و نتواند خود را ارضا کند لاجرم دست به جنایت می زند.

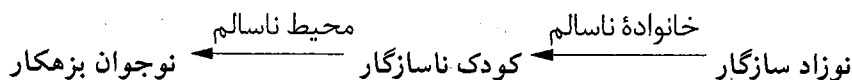


هم او بر این باور است که این احساس ناکامی الزاماً، از میزان محرومیت واقعی کودک نیست؛ بلکه تابعی از «احساس فردی» اوست. او می نویسد:

نقص منش، غالباً در کودکی پیدا می شود که در طول زمان رشد تمایلات او در حد منطقی ارضاء نشده باشد - یعنی کودکی که گرفتار محرومیت، مخصوصاً محرومیت عاطفی و زیستی شده باشد - ولی مطلب اساسی میزان محرومیت واقعی او نیست. بلکه مهم احساس اوست که خود را تا چه اندازه محروم می داند. بنابراین، امکان دارد در نوجوانی هم که احتیاجاتش ارضا شده است، مِثْشی ناراحت و معیوب پیدا شده باشد (ص ۸۶۱).

نتیجه این که هرچند نمی توان خطی قاطع میان نوجوانان بزهکار و ناکرده بزه ترسیم کرد؛ ولی می توان ادعا نمود که آنها بر حسب شناختها و احساسهای فردی خود پردازشهایی متفاوت در زمان و مکان دارند و به همین دلیل رفتارهایی غیریکسان از خود بروز می دهند.

نتیجه گیری کلی می تواند آن باشد که بزهکاری نوجوانان ریشه در خانواده آنان دارد و هرگاه محیط اجتماعی (مدرسه) نتواند نارساییها را جبران نماید، شکل گیری نگرشهای ناسالم آغاز می شود و بروز بزهکاری را تشدید می نماید. بنابراین نوجوانان بزهکار الزاماً از روز تولد، موجودی بزهکار نیستند بلکه مسیر زندگی آنان، یعنی جهل خانوادگی همراه با جبر محیطی، بیش از ۶۰ درصد آنان را در مسیری قرار می دهد که به سوی بزهکاری پیش می روند. این مطلب را در نمودار زیر نشان داده ایم.



یافته های فوق را از دیدگاه نویسنده کتاب روان شناسی جنایی (کی نیا، ۱۳۷۶) ۱۳ می توان بدین شرح استدلال نمود.

مسلماً بیش از نیمی از نوجوانان بزهکار از کمبودهای عاطفی رنج می بردند. مرگ پدر و مادر یا یکی از آن دو، جدایی آنها و بی تفاوتی عاطفی، سردی و بی علاقهگی و



خودخواهی آنان ضربات عاطفی بر روحیه حساس و زودرنج کودکان و نوجوانان است (ص ۸۵۸).

عوامل نامساعد فوق باعث شده است که در ۶ سال گذشته، در استان یزد با افزایش میانگین سالانه ۴/۵ درصد بزهکاران پسر و ۳۰ درصد بزهکاران دختر، مواجه باشیم. برای حُسن ختام، مطالب ذیل را در بیانات امام راجل (ره) به شرح زیر انتخاب نموده ایم:

۱- «فساد عملی پدر و مادر از هر چیز بیشتر در اطفال سرایت می کند. چه بسا که یک طفل که عملاً در خدمت پدر و مادر بد تربیت شده، تا آخر عمر با مجاهدت و زحمت مریبان اصلاح نشود». ۱۴-۲ «اصلاح دانشگاه زمانی آسان است که فرزندانمان را از دوره دانش آموزی زیر نظر بگیریم که اگر فرزندانمان در کودکی درست تربیت شوند، دانشگاه زحمتش کمتر می شود». ۱۵-۳ «باید توجه داشت که دوره مدارس مهمتر از دانشگاه است. چرا که رشد عقلی بچه ها در این دوره شکل می گیرد». ۱۶

پیشنهادها

داده های این پژوهش به خوبی نشان می دهد که هر چند نمی توان خطی قاطع بین نوجوانان بزهکار و نوجوانان سازگار ترسیم نمود ولی این مطلب روشن گردید که بیش از ۶۰ درصد نوجوانان از مسیری مشخص به پرتگاه بزهکاری نزدیک می شوند. بنابراین، برای جلوگیری از افزایش بی رویه بزهکاری نوجوانان روشهای زیر پیشنهاد می گردد:

۱- توجه به سلامت خانواده ها

۱-۱- چشمگیرترین اختلاف در مقایسه شرایط خانوادگی دو گروه مورد مطالعه، افزایش فقر، کم سواد، مهاجرت و وجود فرزندان بیشتر اعم از تنی یا ناتنی در خانواده های بزهکاران بود. سه مورد اول یعنی مبارزه با فقر، بی سواد و مهاجرت نیاز به برنامه ریزیهای کلان و درازمدت دارد ولی محدود نمودن ازدواجهای مکرر و آموزش عمومی خانواده های کم درآمد به داشتن اولاد کمتر و استفاده از روشهای پیشگیری از



باروری در کوتاه مدت امکان پذیر است. بسیار طبیعی است که در جو مذهبی موجود جامعه، این گونه آموزشها لازم است با نگرش مذهبی افراد همسو باشد و شاید بهترین زمان آن، حضور در کلاسهای آموزشی برای جوانان کم سواد در روزهای قبل از ازدواج است.

۱-۲- افزایش آگاهی برای والدین از عواقب خشونت با کودکان و نوجوانان از ضروریات است؛ زیرا بسیاری از نوجوانان بزهکار در عمل، قربانیان رفتار خشونت بار افراد خانواده و مخصوصاً پدر خود بوده اند و این نشان می دهد که بسیاری از والدین با مسائل شرعی و روان شناختی در زمینه تربیت اولاد آشنا نیستند. یعنی، بسیاری از والدینی که در دوران کودکی تنبیه بدنی و تحقیر لفظی شده اند، تنها روش تربیت را نیز در تنبیه و تحقیر فرزندان خود می دانند. به نظر می رسد صالح ترین مراجع جهت آشنا نمودن این گونه والدین به تکالیف شرعی اولاً، مساجد و مراکز مذهبی در استان مورد بررسی و ثانیاً، اجرای برنامه های مناسب توسط سازمان صدا و سیما برای همه استانهاست.

۲- تجدیدنظر در شیوه رفتار با دانش آموزان

۲-۱- اصلاح اصل سی ام قانون اساسی و اجباری نمودن تعلیمات ابتدایی و رایگان نمودن تحصیلات عمومی تا پایان دوره راهنمایی با هدف ریشه کن کردن بی سوادی و تأکید بر رشد سالم اجتماعی کودکان و نوجوانان در مدارس.

۲-۲- با عنایت به این مطلب که اکثریت کودکان و نوجوانان بزهکار در دوره ابتدایی و راهنمایی تنبیه شده و به ترک تحصیل میان دوره ای اقدام نموده بودند، ضروری به نظر می رسد برای ماده ۷۷ آئین نامه اجرایی مدارس که صراحت دارد، اعمال هرگونه تنبیه، از قبیل اهانت، تنبیه بدنی و تعیین تکالیف درسی جهت تنبیه ممنوع است، ضمانت اجرایی مشخص گردد.

۲-۳- شاید مناسب باشد نحوه ارزشیابی از کار معلمان توسط دانش آموزان مانند روشی که در دانشگاهها مرسوم است اعمال گردد. یعنی دانش آموزان به طور تصادفی در پایان هر سال جهت ارزشیابی از کار معلمان و مسؤولان مدرسه انتخاب شوند و به



سؤالات مربوطه پاسخ گویند و نتایج به طور محرمانه به استحضار مریبان رسانیده شود.

۳- جمع آوری کودکان و نوجوانان خیابانی

در سالهای اخیر برنامه‌های بازسازی بناهای تاریخی و کوشش در جلب سیاحان و جهانگردان در این شهر باستانی، بسیار چشمگیر و قابل تحسین بوده است ولی کم توجهی به افزایش کودکان و نوجوانان خیابانی اعم از یزدی، غیر یزدی یا غیر ایرانی تمام اقدامات فوق را بی اثر و محیط شهر را بد منظر می نماید و کمتر اتفاق می افتد که جهانگردی هنگام فیلمبرداری از زیباترین و قدیمی ترین بناهای تاریخی این شهر باستانی از قیافه‌های مظلوم و مضطرب این بزه دیدگان واقعی، چشم پوشی کند.

سرمایه گذاری در جهت بازسازی و حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست، یتیم، فراری و معتاد با تأسیس یک «کانون کارورزی» از ضروریات است. بدیهی است که تأسیس و اداره این گونه مؤسسات لازم است با همکاری مقامات استانداری، دادگستری و اداره کل آموزش و پرورش و سازمان بهزیستی تأسیس و به طور شبانه روزی در جهت حمایت، آموزش حرف و بازسازی نگرشهای ناسالم آنان نسبت به خود، دیگران و مقررات اجتماعی باشد.

به نظر می رسد کمیته امداد امام خمینی (ره) بتواند بخشی از هزینه‌های «کانون کارورزی» را تأمین نموده و مخصوصاً اگر امکانات و نیروی انسانی حاضر در نهضت سوادآموزی استان در راه تأسیس و اداره «کانون کارورزی» صرف گردد، بازدهی و آینده نگری آن بسیار مؤثرتر خواهد بود. به عبارتی دیگر، اگر خسارتهایی که نوجوانان بزهکار هر ساله نسبت به خود، دیگران و جامعه وارد می سازند محاسبه گردد. میزان این خسارتها بیشتر از مبالغی است که صرف راه اندازی و نگهداری یک «کانون کارورزی» خواهد شد.



منابع:

- ۱- کی‌نیا، مهدی: «روان‌شناسی جنایی» تهران، انتشارات رشد، ۱۳۷۴، جلد دوم، ص ۱۷۰.
- ۲- کی‌نیا، مهدی: «مبانی جرم‌شناسی» تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۹، جلد دوم، ص ۶۸۵.
- ۳- آزاد، حسین: «آسیب‌شناسی روانی» تهران، مؤسسه انتشارات بعثت، ۱۳۷۲، نوبت اول، ص ۲۰.
- ۴- کلایز برگ، اتو: «روان‌شناسی اجتماعی» ترجمه دکتر علی محمد کاردان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۶، جلد دوم، ص ۴۷۶.
- ۵- کی‌نیا، مهدی: «مبانی جرم‌شناسی» تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۹، جلد اول، ص ۲۲۰.
- ۶- _____: ص ۲۳۹.
- ۷- م شماره ۲- ص ۷۱۱.
- ۸- م شماره ۵- ص ۲۱۵.
- ۹- مطهری، مرتضی: «مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، قسمت ۴- انسان در قرآن» تهران، انتشارات صدرا، بی‌تا، ص ۸۳.
- ۱۰- علمی‌یزدی، محمدتقی: «بررسی مسائل نگرشی در نوجوانان بزهکار» یزد، مؤسسه انتشارات یزد، ۱۳۷۹، ص ۶۷.
- ۱۱- گسن، ریموند: «مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی» ترجمه دکتر مهدی کی‌نیا، تهران، ناشر، مترجم، ۱۳۷۰، ص ۱۹۶.
- ۱۲- م شماره ۲- ص ۸۶۱.
- ۱۳- م شماره ۲- ص ۸۵۸.
- ۱۴- فراهانی، مجتبی: «تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی» اهمیت جایگاه و عوامل مؤثر بر تعلیم و تربیت، تهران، تبیان، دفتر هجدهم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) ۱۳۷۸، ص ۲۸۹.
- ۱۵- روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۱۷۰۴، صفحه اول.
- ۱۶- حسینی، محمدحسن: «نوسازی جامعه از دیدگاه امام خمینی (ره)» تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۷۸، ص ۱۴۱.



A Contrastive Study of the Attitudes of Delinquent Teenagers and Those of Normal Ones

Mohammad Taghi Oloumi (M.A.)

Abstract

Social delinquencies and moral corruptions are subject to the penal code and the moral code of the society respectively. Acts viewed as crimes in one society may not be so in another. Within the Muslim society of Iran, where life is motivated by one's beliefs and his fighting for them and where social security is involved in one's health and safety, it is quite imperative to recognize the ways and means of training the children and teenagers as prescribed by Islam. Also, for the purpose of stopping the ever - increasing youth delinquency, a revised adult treatment of the problem is well in order. Everybody's behavior being directed by his attitudes and beliefs, it is possible to justify an individual's acts and motives on the basis of his or her attitudes. This article attempts to reach such a justification by mapping the youth corrupted behavior upon their attitude toward themselves, the others, and the social disciplines. The study is conducted by selecting two groups of teenagers, delinquent and normal, and using Likert test to illustrate the assumed behavior-attitude correlation.

